

## بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - 28 / دی / 1377

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همه ملت بزرگ ایران و به همه مسلمانان عالم، بخصوص به شما حضار عزیز که لطف کردید، تشریف آوردید و این مجلس با صفا و نورانی و صمیمی را تشکیل دادید، تبریک عرض میکنم؛ به ویژه به خانواده‌های معظم شهیدان عزیز و مسؤولان خدمتگزار و دلسوز و بسیجیان عزیز و سربازان گمنام امام زمان علیه السلام که در بین جمعیت تشریف دارید. امیدوارم این عید بزرگ بر همه دنیای اسلام و بر ملت ما و بر یکایک شما عزیزان مبارک باشد و مبارک وقتی خواهد بود که ما از این فرصت هم برای خود سازی استفاده کنیم.

در اسلام همه چیز مقدمه خودسازی انسان است. همه فرائض، احکام، تکالیف، واجبات، اجتناب از گناهان و نوافل و مستحبات و احکام اجتماعی و فردی، همه و همه مقدمه حیات طیبه است؛ مقدمه زنده شدن انسان با روح انسانی است؛ مقدمه عروج انسان از عالم بهیمنیت و حیوانیت و توحش است. اگر بشر تحت تربیت الهی - که با اراده خود او قابل تحقق است - قرار گیرد، این حیات طیبه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را هم طیب و طاهر خواهد کرد و اگر این تربیت الهی نباشد و عزم و اراده‌ای را که انسان برای پیمودن راه خدا با آن، احتیاج دارد از دست بدهد و خود را در دست هواها و هوسهای بشری رها کند، در حد حیوانیت باقی خواهد ماند و حیوانی خطرناکتر از حیوانهای دیگر خواهد شد. همان طور که در طول تاریخ انسانیت ملاحظه کرده‌اید، چه انسان صورتهایی با سیرت حیوانات پیدا شدند که افراد بشری را از سلوک در راه خدا باز داشتند. فرعونها، قارونها، نمرودها و شیطانهای مجسم هم استعداد تکامل و ترقی داشتند. آنها هم اگر به خود میآمدند، فکر میکردند و به یاد جوهر انسانی خود میافتادند، میتوانستند پیش بروند. خدای متعال به موسی در مواجهه با فرعون میفرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْتَشِي» (1). فرعون هم این امکان را داشت که تذکر پیدا کند، به خود آید، یاد خدا را و یاد گوهر انسانی خود را در درون خود زنده کند؛ اما طغیان نگذاشت. طغیان هوای نفس، طغیان دنیا طلبی، طغیان خودخواهیها، کبرها، طغیان روح بهیمنیت در انسان، اینها مانع است.

عزیزان من! روزه برای خاضع کردن و مهار کردن همین روح بهیمنیت در آدمی است. نماز برای خاضع کردن انسان است. همه حرکات و سکنات و عمل و سکون و اقدام و هر آنچه در اسلام است، برای این است که ما بر نفس خودمان تسلط پیدا کنیم. بتوانیم بر سر این فیل وحشی که در درون و در وجود ماست، چکش نصیحت و موعظه و ذکر و تکالیف الهی را بکوبیم و آن را رام کنیم. عید هم برای این است؛ روزه هم برای این است؛ نماز هم برای این است؛ جهاد هم برای این است؛ حکومت اسلام هم برای این است که فضا را برای چنین موقعیتی فراهم کند؛ دلها را به خدا نزدیک کند؛ انسانها را در عین آباد کردن روی زمین - آباد کردن دنیا - از این که دنیا را هدف غایی خود قرار دهند، فراتر ببرد. اسلام نمیگوید دنیا را آباد نکنید، دنبال علم نروید، دنبال شناختن سنتهای الهی در طبیعت نروید؛ نه. اسلام به عکس، راهنمای به دانش و تعقل است.

اسلام سطح جامعه را از لحاظ فکری و علمی بالا می‌برد. از انسان میخواهد که زمین را بسازد، آباد کند و امکانش را استعدادهایی را که خداوند متعال در این عالم گذاشته است - در باد و خاک و خورشید و آب و سایر امکاناتی که خدای متعال در مجموعه کائنات به ودیعت نهاده - استخراج کند و در اختیار خویش و هم نوع خویش قرار دهد. اسلام از انسان اینها را میخواهد. آنچه که اسلام، انسان را از آن بر حذر میدارد، این است که غایت هدف و آرزوی او عبارت از امکانات دم دست و نزدیک باشد و هدفی جز زندگی مادی، پول، غلبه بر دیگران و قدرت شهوات و لذات

نداشته باشد. اسلام از اینها انسان را برحذر میدارد و تا خلاقیت اسلامی در عالم وجود تحقق پیدا نکند، انسان آسوده نخواهد شد.

هم امروز و هم در طول تاریخ، همه بدبختیهای بشر ناشی از آتشیهای درونی انسانهای طاغی و سرکش است، که از وجود آنها شعله میکشد و پیرامون آنها را میسوزاند و انسانها و عالم را از بین میبرد. ببینید این قدرتهای استکباری، این قدرتهای سیاسی و نظامی و مالی عالم با این بشریت چه میکنند! ببینید امروز دولتها و اشخاص و مجموعههای مستکبر برای تحقق خواستههای خودشان، با بشریت چه میکنند! چقدر ملتها را اسیر میکنند! چقدر ملتها را گمراه میکنند و به سمت شهوات سوق میدهند! اینها ابزارهای بدبختی و تیره‌روزی بشر است که در دست انسانهای طغیانگر قرار دارد.

به همین علت است که اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار میدهد. «و جاهدوا فی الله حق جهاده» (2)؛ در راه خدا آن چنان که شایسته است، مجاهدت کنید. این مجاهدت، هم مجاهدت درون خود، هم مجاهدت در محیط بیرون، هم مقاومت در مقابل زورگویان و ستمگران و هم مقاومت در مقابل موانع طبیعی است. خدا مظهر کامل آن همه ایستادگی در مقابل قدرتهای ستمگر و ظالم است. سالهای متمادی، مستکبران و قلدان و زورگویان عالم سعی کردند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کنند؛ جهاد را زشت کنند؛ مجاهده فی سبیل الله را از چشمها بیندازند و هر جا گروهی در راه خدا قیام کرد و کمر به خدمت بست و برای خیر بشریت و آبادی روی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرد، متهمش کنند.

همچنان که میبینید، دستگاههای استکباری بیست سال است جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران و امام بزرگوار ما و دلسوزان این ملت را به اموری متهم میکنند که با خود آنها مناسب است. میگویند ناقضین حقوق بشر؛ در حالی که بزرگترین ناقض حقوق بشر آنها هستند. میگویند طرفداران تروریسم؛ در حالی که بانیان و طرفداران تروریسم خود آنها هستند. امروز از دولت صهیونیسم، تروریست‌تر در دنیا کیست؟ از بسیاری از دولتمردانی که امروز در سطح دنیا مطرحند، ظالمتر و متجاوزتر به حقوق انسان کیست؟ بشریت از چه کسانی و از چه قدرتهایی بیشتر صدمه دیده و رنج برده است؟ مایه عقب‌افتادگی آسیا و آفریقا و امثال آنها کیست؟ کدام دولتهایند که سالهای متمادی ملتها را در زیر تیغ استعمار نگاه داشته‌اند؟ آنچه آنها داشتند، ربودند؛ نفت آنها را مفت و ارزان بردند؛ ثروت‌های زیر زمینی آنها را بردند؛ فرهنگشان را نابود کردند؛ از پیشرفت و ترقی و پیمودن قافله علم، آنها را مانع شدند. اینها مستکبرین عالم و همین دولتهایی که امروز در دنیا دم از حقوق انسان میزنند، هستند. اینها بزرگترین بلاهای بشریتند.

امروز بحمدالله ملت ایران بیدار شده است. این کشور و این سرزمین، نقطه‌ای بود که زشت‌کردارترین مستکبران و قدرتهای استکباری، روی آن پنجه انداخته بودند. آن را متعلق به خودشان میدانستند؛ آن را برای خودشان قله‌ای به حساب می‌آوردند که هنوز فتح نشده است. امروز ببینید بعضی از دولتهای همین منطقه، در مقابل آراء و اراده دولت امریکا چقدر خاضعند! هرچه او بخواهد، اینها تسلیم میشوند و انجام میدهند. از اینها جنگ بخواهد، از اینها صلح بخواهد، از اینها دشمنی با یک کشور را بخواهد، از اینها پیمان نظامی بخواهد، حتی از اینها تغییرات دولت را بخواهد، از انجامش سر باز نمی‌زنند.

رژیم منحوس وابسته فاسد پهلوی در ایران، از همه اینها - دولتهایی که امروز شما میبینید - در مقابل امریکا وابسته‌تر و تسلیم‌تر بود؛ اما امروز امریکا این رژیم را از دست داده است. مستکبران و قدرتهای زورگو، همیشه از یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمان میترسیدند و از این که آنها به فکر اسلام و احکام و معارف اسلام بیفتند، واهمه داشتند؛ لذا در به فراموشی سپردن احکام اسلام و قرآن سعی میکردند. این ملت و این کشور، اسلام را مثل خورشید

تابناکی، در آسمان فکر و دل مردم مسلمان دنیا بلند کردند، آن را در مقابل چشم همه قرار دادند و احساسات اسلامی را در مسلمانان زنده کردند. آن گاه، هم کشوری که در اختیار مستکبران بود از دستشان خارج گردید و هم اسلامی که نمیخواستند مسلمانان به یاد آن بیفتند، در دل مسلمانان زنده شد. میخواهید با ملت ایران دشمن نباشند؟ میخواهید علیه این ملت تبلیغات نکنند؟ میخواهید توطئه نکنند؟ میخواهید به فرهنگ و سیاست و اقتصاد و امنیت و همه چیز این ملت تعرض نکنند؟

امروز، علاج توطئه‌ها و تبلیغات استکبار، بیداری شما مردم، بیداری شما جوانان و عزم قاطع ملت بر پیمودن راهی است که در این بیست سال او را به عزت رسانده است. بحمدالله این عزم و اراده در مرد و زن این کشور هست. به کوری چشم آنهایی که نمیتوانند ببینند، مردم از بُن دندان به اسلام اعتقاد دارند، به استقلال کشور اعتقاد دارند، به پیمودن راه خدا اعتقاد دارند و میدانند که آبادی دنیا و آخرتشان در سایه عزم و اراده قاطع و تلاش پیگیر در پرتو احکام اسلام، تحقق پیدا خواهد کرد. این را ملت ایران میدانند؛ مسؤولان میدانند، زنان و مردان و جوانان کشور میدانند و به همین علت است که توطئه‌های دشمن اثری نخواهد بخشید. این ملت ان شاءالله راه سعادت را طی خواهد کرد و به فضل پروردگار و در پرتو توجهات و ادعیه زاکیه حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه، خواهد توانست همه مشکلات را حل کند، گردنه‌های دشوار را پشت سر بگذارد و به قله تکامل و ترقی دست یابد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(1) طه 44

(2) حج 78